

کلیات سعدی (گلستان)^۱

مرتضی قاسمی*

چکیده: در سال‌های اخیر بیش و کم شاهد چاپ دوباره کتاب‌های مهم در حوزه ادبیات بوده‌ایم که فی‌نفسه کاری است ارزشمند و درخور ستایش. یکی از این آثار که در اواخر سال ۱۳۸۵ منتشر شد، کلیات سعدی است که از سوی انتشارات هرمس به چاپ رسیده است. از آنجا که بیشتر این آثار از امتهات آثار ادب فارسی هستند، به کارگیری نهایت دقت در چاپ دوباره آنها ضروری است. بر اساس همین ضرورت، در این مقاله بخش «گلستان» از کلیات سعدی، از نظر شیوه نگارش و رسم‌الخط بررسی شده، در ادامه شماری از اشتباهات راه‌یافته به آن نیز برشمرده شده است.

کلیدواژه: کلیات سعدی، شیوه نگارش، رسم‌الخط، اعراب‌گذاری، فاصله‌گذاری، نقطه‌گذاری.

از کلیات سعدی تاکنون چاپ‌های متعددی منتشر شده است که بنا بر عقیده اکثر صاحب‌نظران، کامل‌ترین و مورد اعتمادترین آنها، همان تصحیحی است که مرحوم

۱. سعدی، مصحح‌الدین (۱۳۸۵): کلیات (قرن هفتم هجری)، به تصحیح محمدعلی فروغی، با پیشگفتار هوشنگ رهنما، انتشارات هرمس (وابسته به مؤسسه شهر کتاب)، تهران، ۱۴۱۲ (شش + ۱۴۰۶) صفحه.
رسم‌الخط عبارات‌های نقل‌شده از چاپ هرمس، اعم از فاصله‌گذاری و شیوه نگارش، در این مقاله تغییر نیافته و عیناً مانند چاپ مذکور است. ■ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

محمدعلی فروغی در سال ۱۳۲۰ ش انجام داد و از آن روزگار تاکنون مرجع و مآب دیگر چاپ‌های آثار سعدی نیز بوده است. مرحوم فروغی، گلستان و بوستان را در سال ۱۳۱۶ ش، منتشر کرد و پس از آن، تا سال ۱۳۲۰ ش، غزلیات و قصاید و دیگر سروده‌های سعدی را به چاپ رسانید.

از آن پس، مصححان اکثر چاپ‌هایی که از این اثر موجود است، از تصحیحات وی سود جسته، بعضاً ترتیب و قاعده او را در تنظیم بخش‌های کلیات بر هم زده‌اند و هریک نیز دلایلی برای این کار ذکر کرده‌اند که گاه مقبول طبع می‌افتد و گاه نه.

باری، انتشارات هرمس طبع تازه‌ای از کلیات سعدی را، همراه با کشف‌الایات، در اواخر سال ۸۵ منتشر کرد که امعان نظر نگارنده در اوراق آن - خصوصاً در گلستان - باعث شد تا به بررسی محتوای آن با چاپ دیگری از کلیات (با مقدمه استاد بهاء‌الدین خزرمشاهی، امیرکبیر، چاپ ششم: ۱۳۶۶) بپردازم که نتیجه آن نگارش این سطور است. شایان ذکر است که اگرچه چاپ هرمس در زمره تصحیحات انتقادی قرار نمی‌گیرد و تنها بازنویسی و چاپ دوباره یک اثر محسوب می‌شود، این بهانه نمی‌تواند باعث شود که از این اثر غافل مانده، به آن توجه نکنیم؛ چرا که عظمت اثری مانند کلیات مانع از این می‌شود که آن را بدون دقت نظری که شایسته آن است، به دست خوانندگان بسپاریم.

در این بررسی، سعی شد تا ضمن انجام دادن مقایسه‌ای میان نسخه چاپ امیرکبیر و چاپ هرمس، کتاب گلستان را از این مجموعه مورد نقد قرار دهیم. امید است دیگر قسمت‌های آن نیز در فرصتی مناسب مورد بررسی واقع شود.

چاپ هرمس شامل گلستان، بوستان، قصاید فارسی، ترجیع‌بندها و ترکیب‌بندها، رباعیات، قطعه‌ها و تک‌بیت‌ها، اشعار عربی و رساله‌های منشور است. علاوه بر این، در پایان کتاب، پیشگفتارهای مصحح [= مرحوم فروغی] بر گلستان و دیگر بخش‌های کلیات و نیز کشف‌الایات گلستان و قسمت‌های دیگر آمده است. این بخش از نقاط قوت این چاپ بوده، نقطه تمایز آن با دیگر چاپ‌هاست.

چاپ کتاب، چشم‌نواز و خوانا، با ورق نازک و در حجم مقبول و با جلد گالینگور

است و فهرست‌های آن مرتب و سهل‌الوصول. صفحات بخش کتاب گلستان حاشیه‌هایی در چهار گوشه دارد که آن نیز زیبا و پسندیده است. در این بخش، هر حکایت در صفحه‌ای مستقل شروع شده و آغاز هر حکایت در ابتدای صفحه است. گرچه این روش تمایز میان حکایت‌ها را بیشتر می‌کند و رجوع به آنها را آسان‌تر، از نظر صرفه‌جویی در فضا و بالطبع کاغذ و هزینه، روش مناسبی نیست. بسیار اتفاق افتاده که دو سوم یا نیمی از یک صفحه، سفید و بلااستفاده مانده است.

در پیشگفتار چاپ هرمس (ص پنچ) به قلم استاد هوشنگ رهنما چنین آمده است:

چاپ حاضر کلیات سعدی نیز، در متن، بر پایه چاپ محمدعلی فروغی آماده‌سازی شده است (بجز چند مورد انگشت‌شماری که به ضرورت بر اساس نسخه بدل‌های دیگر - که ویراست‌های دیگر آورده‌اند - تغییر یافته‌اند). و اما در تنظیم بخش‌های کتاب - بجز گلستان و بوستان - از الگوی برگزیده فروغی پیروی نشده و به جای آن الگوی معمول در تقریباً همه دیوان‌های شاعران دیگر به کار گرفته شده است تا خواننده در استفاده از شعر سعدی و یافتن بیت یا غزل مورد نظر خود در آن، در چنبره بخش‌بندی‌های ارزش - داورانه فروغی در نماند.

در این سطور، علاوه بر اینکه گویی کار مرحوم فروغی در دسته‌بندی بخش‌های کلیات، به نوعی ناپسند انگاشته شده (که هرگز چنین نیست و آنچه وی انجام داده بر پایه تعمق و دقت نظر بوده است)، توضیحی در این باره نیامده است که بر اساس کدام یک از چاپ‌های کلیات این بازنویسی انجام شده، و همچنین آن موارد انگشت‌شمار نیز که تغییر آنها ضروری می‌نموده است، با هیچ نشانه‌ای و در هیچ جای این کتاب مشخص نشده تا خواننده را به این تغییر رهنمون گردد.

در بخش دیگری از این پیشگفتار دو صفحه‌ای (ص شش)، در باب شیوه طبع این اثر

آمده است:

در ارائه متن، چه نثر و چه شعر، از نشانه‌گذاری، مگر به ضرورت، پرهیز شده تا خواننده از تحمیل تلفظ‌ها و خوانش‌های اختیاری آزار نبیند.

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد و بر اساس آنچه در دیگر متون مصحح مرغوب مشاهده شده است، نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری، یکی از نقاط قوت هر متن محسوب می‌گردد، تا جایی که گاه نبود این علائم حمل بر اهمال مصحح می‌شود، مگر آنکه دلیل قانع‌کننده‌ای در کار باشد که البته در این پیشگفتار، دلیل ذکر شده به هیچ وجه قانع‌کننده نیست و اصولاً در قضایای علمی و ثابت شده، که شامل این متن نیز می‌شود، تفویض اختیار به مخاطب محملی ندارد.

با فرض اینکه چنین قاعده‌ای را نیز بپذیریم، یعنی دادن اختیار به خواننده در چگونه خواندن متن، این پرسش مطرح می‌شود که آیا نباید این شیوه در تمام متن به صورت یکسان اعمال شود؟ نکته اینجاست که آنچه در پیشگفتار چاپ هرمس به عنوان روش کار و شیوه‌نامه ذکر شده، در سرتاسر متن به صورت یکسان رعایت نشده است؛ مانند:

أشاهد من اهوی بغير وسیلة فیلحقنی شأن أضل طریقاً

(ص ۸۶)

و در جای دیگر بدون هیچ اعرابی:

اذا یئس الانسان طال لسانه کستور مغلوب یصول علی الکلب

(ص ۱۷)

همچنین، گاه نیاوردن این نشانه‌ها در متن، باعث غلط‌خوانی و به دردمسر افتادن مخاطبان عام می‌شود:

شفیع مُطاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم و نسیم

(ص ۴)

اعمال نکردن اعراب این کلمات ممکن است خواننده ناآشنا به متن را بر آن دارد تا این بیت را بدین صورت بخواند:

شفیع مُطاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم و نسیم

گاه پیش می‌آید که اعراب‌گذاری بی‌موردی نیز انجام شده است و در کنار همان کلمه، کلمه‌ای دیگر را که اعراب‌گذاری آن سخت ضروری می‌نماید، به حال خود رها

کرده‌اند:

بَلَّغَ الْعُلَى بِكَمَالِهِ كَشْفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ حَسَنَتْ جَمِيعُ خِصَالِهِ صَلَوَا عَلَيْهِ وَآلِهِ

(ص ۴)

به نظر می‌رسد اعراب‌گذاری کلماتی مانند «الْعُلَى، كَشْفَ، الدُّجَى وَ حَسَنَتْ» ضروری‌تر از «و» و «آلِهِ» باشد. چنین است در این عبارت عربی:

- يَا مَلَايِكِي قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ. (ص ۴)

که در اینجا نیز اعراب‌گذاری فعل «اسْتَحْيَيْتُ» بسیار ضروری‌تر از «مَلَايِكِي» است. علاوه بر این، مشکول نمودن عبارت‌های این چینی باید تابع قاعده‌ای باشد. در عبارت سیزده کلمه‌ای زیر (البته با احتساب حروف)، تنها پنج کلمه، آن هم به صورت ناقص و در یک مورد مغلوط، اعراب‌گذاری شده است:

لَقَدْ سَعَدَ الدُّنْيَا بِهٖ دَامَ سَعْدُهُ وَ آيَدُهُ الْمَوْلَى بِالْوَيْةِ [= بِالْوَيْةِ] النَّصْرُ
كَذَلِكَ بِنَشْأَلَيْتِهٖ هُوَ عَرَفَهَا وَ حَسَنَ نَبَاتِ الْأَرْضِ مِنْ كَرَمِ الْبَذْرِ

(ص ۶)

توضیحی نیز در باب حواشی کلیات مرحوم فروغی ضروری به نظر می‌رسد. در بخشی از پیشگفتار مصحح (= مرحوم فروغی) برگلستان (ص ۱۲۱۸) چنین آمده است:

برای اینکه خوانندگان از تمام آن متن [= نسخه اصل: نسخه اصفهان] کاملاً آگاه باشند و

توانند حکومت کنند هر جا که از آن تجاوز کرده‌ایم در حاشیه، نسخه اصل را به دست

داده‌ایم و آنجا که در حاشیه حرف «ص» گذاشته شده، علامت آن است که در نسخه اصل

چنان بوده و ما در آن تصرف کرده‌ایم.

در پایان این جمله، در چاپ هرمس، ارجاعی به پانویس داده شده و به قلم ناشر چنین آمده است: «برای سهولت در خواندن، حاشیه‌ها حذف شده است.» به گمان نگارنده،

حذف این حواشی یکی از نقاط ضعف این اثر محسوب می‌شود؛ چرا که یکی از ابزار

پژوهش محققان، و نیز ثمره زحمت مرحوم فروغی را از دسترس همگان دور کرده‌اند.

همچنین شایسته بود همانند نسخه فروغی، فهرست اعلامی به این چاپ افزوده می‌شد

تا در کنار کشف‌الایات، مکمل این اثر گران‌بها باشد.

سخن دیگر نگارنده درباره رسم‌الخط این مجموعه است؛ گویا در حروف چینی این اثر چیزهایی مورد نظر بوده، اما در تمام متن به صورت یکسان اعمال نشده است. به عنوان مثال، حرف اضافه «به» در اکثر موارد جدا نوشته شده، اما جاهایی هم هست که به کلمه پس از خود چسبیده است. موارد بسیاری نیز در باب گونه‌گونی رسم‌الخط کلمات مرکب وجود دارد که به مثالی بسنده می‌کنیم:

- بجز خدای عزّ و جل پناهی نمی‌بینم. (ص ۵۰)

ای گرفتار پای‌بند عیال دیگر آسودگی میند خیال

(ص ۱۱۲)

من فتاده به دست شاگردان به سفر پایبند و سرگردان

(ص ۱۲۴)

نکته دیگر درباره اعراب‌گذاری اشعاری است که در آنها اختیارات شاعری به کار رفته و اکثر مصححان و ویراستاران به آن توجه ویژه دارند. در این کتاب به این مسئله توجه چندانی نشده است و می‌توان گفت تقریباً در هیچ موردی آن را اعمال نکرده‌اند: هرکه مزروع خود بخورد به خوید وقت خرمش [= خرمش] خوشه باید چید

(ص ۸)

گر تتر بکشد [= بکشد] این مخنث را علو تتری را دگر نیاید کشت

(ص ۱۴۶)

همچنین به اعراب‌گذاری هم‌نگاشت‌ها - که نشانه‌گذاری آنها کاملاً ضروری به نظر می‌رسد - توجه چندانی نشده است. حتی در موارد متعدد ملاحظه می‌شود که برخی کلمات و ترکیبات به چند روش اعراب‌گذاری شده‌اند؛ از جمله:

عزّ و جلّ

- منتّ خدای را عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است. (ص ۳)

- هرکه خدای را عزّ و جلّ بیازارد تا دل خلقی به دست آرد... (ص ۴۷)

- بجز خدای عزّ و جلّ پناهی نمی‌بینم. (ص ۵۰)

ملک / ملّک

ور وزیر از خدا بترسیدی همچنان کز ملک ملک بودی

(ص ۶۰)

گاه نیز پیش می‌آید که بر خلاف رسوم نگارش شعری، در رسم الخطّ مخفّف‌ها، مواردی دیده می‌شود که چندان پسندیده نیست؛ مثلاً نگارش «کو» (= که + او) به صورت «کاو»:

توانم آنکه نیازم اندرون کسی حسود را چه کنم کاو ز خود به رنج در است

(ص ۲۵)

در بعضی موارد نیز مشاهده می‌شود که اعراب‌گذاری کلمات فارسی به سیاق عربی صورت گرفته است که چندان پسندیده نیست:

او گوهر است گو صدقش در جهان مباد درّ یتیم را همه کس مشتری بود

(ص ۱۶۵)

در باب شیوه نگارش اشعار نیز چند نکته به ذهن می‌رسد که در میان ادبا متداول است و در این اثر رعایت نشده و یا اگر هم شده، در همه جا به صورت یکسان به چشم نمی‌خورد. به نمونه‌ای از آنچه از این دست به چشم رسید، اشاره می‌شود:

کرم بین و لطف خداوندگار گنه ببنده کرده است و او شرمسار

(ص ۴)

معمولاً شیوه حروف‌چینی و نگارش شعرها به اقتضای وزن تغییر می‌کند. وزن عروضی در این مصراع اقتضای آن می‌کند که فعل «کرده است» به صورت «کرده ست» نوشته شود، که این شیوه در این چاپ گاه رعایت شده است و گاه نشده. چنین است در:

اول اندیشه وانگهی گفتار پای بست آمده است و پس دیوار

(ص ۱۳)

عکس این قضیه نیز صادق است و در بعضی ایات بدون اینکه وزن اقتضای حذف

کند، حذف صورت گرفته است:

و آن که خوابش بهتر از بیداری است آن چنان بد زندگانی مرده به

(ص ۳۳)

که وزن شعر در این بیت ایجاب می‌کند به صورت «بیداری است» نوشته شود. در باب فاصله‌گذاری میان کلمات نیز در این کتاب اهمال‌های فراوان به چشم می‌خورد که ممکن است باعث آزار خواننده در مطالعهٔ متن شود؛ از جمله:

... متحلی گردد به زبور قبول امیرکبیر عالم عادل مؤید مظفر منصور... (ص ۱۱)

عدم فاصله‌گذاری میان دو واژه «امیر» و «کبیر» باعث شده است که ابتدائاً به صورت «امیرکبیر» دیده شود؛ در حالی که میان این دو باید یک فاصلهٔ کامل باشد. از سوی دیگر، در موارد فراوان دیده می‌شود که میان اجزای کلمات مرکب، از جمله صفت‌ها یا فعل‌های پیشوندی، فاصله‌ای قرار داده شده که آن نیز ناپسند افتاده است:

چو در بسته باشد چه داند کسی که جوهر فروش است یا پیلور

(ص ۹)

و گاه در یک بیت، به ضبط دو گانهٔ این گونه موارد برمی‌خوریم:

که فردا چو پیک اجل در رسید به حکم ضرورت زبان درکشی

(ص ۸)

رعایت نکردن فاصله‌گذاری مشکل دیگری را نیز باعث می‌شود. در گذشته که امکانات چاپ به صورت امروزی آن موجود نبود، هنگام حروف چینی کتاب‌ها گاه اتفاق می‌افتاد که نیمی از یک کلمه در انتهای سطر، و نیم دیگر آن در ابتدای سطر بعد واقع می‌شد. در اینجا بود که حروف چینان، پس از نیمهٔ نخست کلمه در انتهای سطر، خط فاصله‌ای می‌گذاشتند تا نمایانگر دوباره شدن کلمه باشد. امروزه با امکانات و نرم‌افزارهایی که در حوزهٔ حروف چینی و نشر وجود دارد، احتمال افتادن چنین اتفاقی به صفر رسیده است؛ البته اگر فاصله‌گذاری میان کلمات به درستی رعایت شود. در این کتاب، به علت عدم فاصله‌گذاری مناسب، بارها اتفاق افتاده که جزئی از یک مرکب در انتهای یک سطر و ادامهٔ آن در ابتدای سطر بعدی واقع شده است:

● سایر حکما از تأویل این فرو

ماندند، مگر درویشی که به جای آورد. (ص ۱۹)

● پسر دانست که دل

آویخته اوست. (ص ۱۹۷)

● ... گفتا سخنی با من چرا نگویی که هم از حلقه درویشان بلکه حلقه

به گوش ایشانم. (ص ۱۹۷)

رعایت نکردن فاصله گذاری ممکن است باعث غلط خوانی نیز بشود:

نکنند جور پیشه سسلطانی که نیاید ز گرگ چوپانی

(ص ۲۶)

در نگاه نخست، با فاصله‌ای که میان دو جزء صفتِ مرکبِ «جورپیشه» وجود دارد، احتمال اشتباه خواندن آن (به تصور اینکه «جور کردن» فعل جمله است) بسیار است. این فاصله‌های زاید حتی در ابیات و عبارات‌های عربی نیز به چشم می‌خورد که در آنجا نمود بیشتری داشته، گاه مخّل معنی کلام نیز هست:

اقل جبال الارض طور و انه لا عظم [= لأعظم] عند الله قدرا و منزلا

(ص ۲۰)

با فاصله‌ای که میان «لا» و «عظم» آمده، معنی بیت دگرگون می‌شود.

ما ذا أخاضك يا مغرور في الارض حتى هلكت فليت النمل لم يطر

(ص ۱۲۹)

صورت درست: ماذا، همچنین در نسخه فروغی (ص ۱۰۶) به جای «النمل»، «النمل» ضبط شده است.

و ربّ صدیق لا متی فی وداها ألم یرها یوما فیوضح لی عذری

(ص ۲۱۶)

صورت درست: لا متی (= ملامت می‌کند مرا)

ور اکبات نیاق فی هوادجها لم یلتفتن الی من غاص فی الکثب

(ص ۲۵۸)

صورت درست: وراکیات

مسئله نقطه‌گذاری نیز در این کتاب چندان مورد توجه قرار نگرفته و گاه ملاحظه می‌شود در آنجا که وجود نشانه‌ای باعث راهنمایی خواننده می‌شود، خبری از آن نشانه نیست. نکته جالب توجه اینجاست که این نشانه‌ها حتی در نسخه فروغی نیز که تقریباً عاری از این علامات است، وارد شده است:

وگر به چشم ارادت نگه کنی در دیو فرشته‌ایت نماید به چشم کزویی

(ص ۱۹۳)

در نسخه فروغی (ص ۱۲۹) میان «چشم» و «کزویی» یک ویرگول آمده است. در باب هشتم (در آداب صحبت) اندرزهای کوتاهی آمده که در نسخه فروغی با نشانه *** از هم متمایز شده است. در نسخه چاپ هرمس نیز با آوردن نشانه * این قاعده رعایت شده، اما در صفحه ۲۷۷ پس از بیت:

اگر ز دست بلا بر فلک رود بدخوی ز دست خوی بد خویش در بلا باشد

چنین نشانه‌ای وجود ندارد و بدون هیچ فاصله‌ای جمله «چو بینی که در سپاه دشمن تفرقه افتاده...» آمده است.

در چاپ هرمس، تغییراتی نیز در نگارش کلمات صورت گرفته است. در سرتاسر متن گلستان، واژه «رای»، چه به صورت بسیط و چه در ترکیب‌ها، به «رای» تغییر داده شده است. پس از بررسی تمام متن، تا آنجا که دقت نگارنده اجازه می‌دهد، می‌توان ادعا کرد که به جز یک مورد (در صفحه ۲۸۵) در بقیه موارد این کلمه تغییر یافته است؛ و آن یک بار هم در این بیت است:

مارا بر دست و مار سر بر سنگ خیره‌رای بسود قیاس و درنگ

اینکه این تغییر با چه ملاک و بر چه اساسی انجام شده بر بنده معلوم نشد، اما آنچه

۱. چنین است در نسخه فروغی (۱۸۱). در آنجا در پانوش این توضیح نیز اضافه شده است: «مار در اینجا

بی‌تناسب و مخل معنی است، «سنگ» درست‌تر می‌نماید.»

مسلم است در اکثر قریب به اتفاق موارد، تلفظ «رای» بسیار با طبع خواننده صاحب ذوق سازگارتر است تا تلفظ «رأی»؛ از جمله:

- خلاف راه صواب است و نقض رأی اولوالالباب... (ص ۹)

- بامدادان که خاطر باز آمدن بر رأی نشستن غالب آمد... (ص ۱۰)

و در بعضی موارد به دلیل آنکه قرینه‌ای در جمله وجود دارد، یا اینکه در محل قافیه واقع شده است، این موارد غلط واضح محسوب می‌شود و هیچ شکئی در تلفظ آنها به صورت «رای» باقی نمی‌ماند:

- تا چه کردم که روزگار... در سلک صحبت ابلهی خودرای [= خودرای] ناجنس

خیره‌درای به چنین بند مبتلاگردانیده است؟ (ص ۲۰۷)

- ... نه گرفتار آمدی به دست جوانی مُعجَب خیره‌رأی [= خیره‌رای] سرتیز
سیک‌پای که هر دم هوسی پزد و هر لحظه رأیی [= رایی] زند و هر شب جایی خسبد.

(ص ۲۲۹)

آن را که عقل و همت و تدبیر و رأی نیست خوش گفت پرده‌دار که کس در سرای نیست
(ص ۲۶۴)

علاوه بر موارد ذکر شده، شماری خطای نگارشی نیز در ضبط گلستان، چه در نشر و چه در نظم و چه در اشعار و عبارات عربی، راه یافته است که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود. در باب هر یک از این خطاها، نخست عین متن ضبط شده در کلیات ذکر می‌شود و پس از آن توضیح نگارنده یا ضبط کلیات چاپ امیرکبیر، به تصحیح مرحوم فروغی.

● به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پرکنم هدیه اصحاب را. (ص ۵)

به نظر می‌رسد تحمیل مشدد خواندن این واژه به خوانندگان دور از احتیاط باشد.

لَقَدْ سَعَدَ الدُّنْيَا بِسَعْدِ دَامِ سَعْدِهِ وَ أَيْدِيهِ الْمَوْلَى بِالْوَيْةِ النَّصْرِ

(ص ۶)

صورت درست: بِالْوَيْةِ (فروغی: ۳۰)

- دفتر از گفته‌های پریشان بشویم و من بعد پریشان نگویم. (ص ۸)
- نسخه فروغی: گفته‌های (ص ۳۱)
- در متون کهن، در موارد بسیار مشاهده می‌شود که هنگام جمع بستن کلماتِ مختوم به «ها»ی غیرملفوظ، به وسیله «ها»ی جمع، «ها»ی غیرملفوظ حذف می‌شود. برخی از این کلمات دوامیایی هستند، از جمله: شاخ / شاخه، خان / خانه و جز اینها. «گفت» و «گفته» نیز از همین قبیل است؛ بنابراین نمی‌توان به ضرس قاطع آن را به «گفته» تغییر داد و احتیاط علمی ایجاب می‌کند صورت «گفت» که مفید معنی نیز هست، حفظ شود. چنین است در صفحه ۱۵۷:
- به بقیّت مال او توانگر شدند و جامه‌های کهن به مرگ او بدریدند.
- در نسخه فروغی (ص ۱۱۰) «جامه‌های» ضبط شده که ضبط چاپ هرمس به نظر موجه‌تر می‌نماید؛ هرچند، در لغت‌نامه دهخدا، ذیل مدخل «جام»، معنی «جامه» نیز برای این لفظ ذکر شده است.
- شب رابه بوستان [با] یکی از دوستان ائتفاق میت افتاد. (ص ۱۰)
- حرف اضافه «با» در متن از قلم افتاده است. (فروغی: ۳۲)
- عضدالدولة القاهرة، سراج‌الملّة الباهرة، جمال الانام، مفخرالاسلام. سعد بن الانابک الاعظم... (ص ۱۱)
- نسخه فروغی: القاهرة (ص ۳۳)
- نقطه پس از «الاسلام» نیز وجهی ندارد و به جای آن «ویرگول» مناسب‌تر است.
- مظفرالدین ابی‌بکر بن زنگی ادام الله اقبالهما و ضاعف جلالهما و جعل الی کل خیر مالهما. (ص ۱۱)
- صورت درست: مآلهما (فروغی: ۳۳)
- طایفه‌ای [از] حکمای هندوستان در فضایل بزرگمهر سخن می‌گفتند. (ص ۱۲)
- حرف اضافه «از» در متن از قلم افتاده است. (فروغی: ۳۴)
- به آخر جز این عیبش ندانستند که در سخن گفتن بطعی است. (ص ۱۲)

صورت درست: بطیء = /bati/

● پسر دریافت و دست از طعام بازکشید. (ص ۲۱)

نسخه فروغی: کشید (ص ۲۰)

● هر یکی را از بلاد حصه ای معین کرد تا فتنه بنشست. (ص ۲۱)

نسخه فروغی: حصه (ص ۲۰)

بدون نشانه نکره نیز مفید معنی است.

نیم نانی گسر خورد مرد خدای بذل درویشان کند نیمی دگر

(ص ۲۱)

نسخه فروغی: خدا (ص ۲۰)

گر نبیند به روز شب پره چشم چشمه آفتاب را چه گناه

(ص ۲۵)

نسخه فروغی: شیره (ص ۳۲)

● بخواندش و گفت دهای خیری بر من بکن. (ص ۳۲)

نسخه فروغی: کن (ص ۴۷)

● مناسب حال ارباب همت نیست یکی را به لطف امیدوار گردانیدن و باز به نومیدی

خسته کردن. (ص ۳۵)

نسخه فروغی: او میدوار (ص ۴۹)

● یکی را از آنان که عذر کردند با من دم دوستی بود. (ص ۳۶)

نسخه فروغی: غدر (ص ۴۹)

اذا شبع الّکمی یصوّل بطشاً و خاوی البطن یبطش بالفرا

(ص ۳۶)

نسخه فروغی: بالفرا (ص ۴۹)

● سیه گوش را گفتند تو را ملازمت صحبت شیربچه وجه اختیار افتاد. (ص ۳۷)

نسخه فروغی: شیر به چه (ص ۵۰)

در اینجا نیز رعایت نکردن فاصله میان کلمات باعث به وجود آمدن چنین خطایی شده است؛ چه، اگر میان «شیر» و «بچه» فاصله‌ای می‌بود، باز هم می‌شد توجیهی برای آن یافت و فرض را بر پیوسته‌نویسی «به» و «چه» نهاد.

الا لا یجَارَنُ اَخِرَ البَلِیَّةِ فَلَیْلَرحمن الطّاف خفیة

(ص ۴۱)

نسخه فروغی: البلیّة، خفیة (ص ۵۳)

● حاکم... اسباب معاش یاران فرمود تا بر قاعده ماضی مهیا دارند و معونت ایام تعطیل وفا کنند. (ص ۲۴)

نسخه فروغی: مؤنت (ص ۵۴)

«مؤنت» یا «مئونت» به معنای «هزینه و خرج»، «رنج و زحمت» و نیز «لوازم زندگی» است (فرهنگ بزرگ سخن، ذیل مئونت) و مفید معنی. اما «معونت» به معنی «یاری رساندن» است و در اینجا نامناسب می‌نماید.

● هرکه آمد بر او مزیدی کرد تا بدین غایت رسید. (ص ۲۶)

نسخه فروغی: کرده، رسیده (ص ۵۶)

● سر جمله حیوانات گویند که شیر است و اذّل جانوران خر. (ص ۴۷)
صورت درست: اذّل

● به اندک مایه تغییر با ولی نعمت بی‌وفایی نتوان کرد. (ص ۵۲)

آوردن همزه کوچک در انتهای لفظ «مایه» وجهی ندارد و بدون اضافه کردن هم مفید معنی است. مضافاً اینکه موارد مشابه در متون کهن دیگر بسیار به چشم می‌خورد.

● پسر چون پیل مست اندر آمد، به صلابتی که اگر کوه روین بودی، از جای برکندی.

(ص ۵۶)

نسخه فروغی: صدمتی (ص ۶۱)

گر نه اومید و بسیم راحت و گنج پای درویش بر فلک بودی

(ص ۶۰)

نسخه فروغی: امید (ص ۶۳)

پسختن دیگ نیکخواهان را هرچه رخت سراسر سوخته به

(ص ۶۴)

نسخه فروغی: دیک (ص ۶۵)

در نسخه فروغی، یکی از نسخه‌بدل‌ها «دیگ» ضبط شده که با علامت (۹) در پانوشت آمده است. بایسته بود در نسخه هرمس مواردی را که با تکیه بر نسخه‌بدل‌ها تغییر داده‌اند، با علامتی مشخص می‌کردند، یا با توجه به اینکه در مقدمه ذکر شده که تعداد آنها انگشت‌شمار است، شایسته بود تمامی آنها در مقدمه ضبط می‌شد.

● گفتم بقیت عمرش نمانده بود، از این سبب در گرفتن او تأخیر کرد و در آن دگر به

تعجیل. (ص ۶۶)

نسخه فروغی: به (ص ۶۶)

● وزیران بر مثال اطبایند. (ص ۶۹)

نسخه فروغی: اطبایند (ص ۶۷)

تغییر دادنی این «الف» به «یا» می‌انوند صحیح نیست؛ چرا که از ویژگی‌های سبکی بسیاری از متون کهن است و مثال‌های فراوان می‌توان برای آن یافت. چنین است در صفحه ۲۶۳:

- اشارات خواجه علیه‌السلام به فقر طایفه‌ای است که مرد میدان رضایند.

که در اینجا نیز ضبط نسخه فروغی «رضایند» است. نمونه‌هایی از دیگر متون کهن:

- طاهر و تاش و آن قوم که آنجا اند به شراب و نشاط مشغول‌اند. (بیهقی: ۵۰۵)

- انبیا و اولیایند که عقل جزوی را به عقل کل متصل کرده‌اند. (مولوی: ۱۲۳)

در نسخه مرحوم یوسفی (ص ۸۳) نیز «اطبایند» ضبط شده است.

● سایر بندگان و خدمتگاران به نوازش خداوندی متعبدند. (ص ۷۱)

نسخه فروغی: خدمتگاران (ص ۶۹)

● من بنده امید آورده‌ام نه طاعت و به در یوزه آمده‌ام نه به تجارت. (ص ۷۸)

آوردن کسره پس از «من» خطاست؛ چرا که این ترکیب به صورت «من بنده» در متون کهن سابقه دارد. در فرهنگ بزرگ سخن در تعریف این ترکیب چنین آمده است: «عنوانی که گوینده هنگام صحبت کردن برای ابراز تواضع و فروتنی به خود می‌دهد؛ من». نمونه‌هایی از این ترکیب در دیگر متون:

من بنده مقصر تقصیر بیش دارم ز نهار دل بمشکن تقصیر من بمشمر

(فروغی: ۱۸۷)

اگر چه خاطر من بنده را به گاه سخن هزار نکته آراسته فراز آید

(عبدالواسع جبلی: ۶۱۰)

● از آن تاریخ ترک صحبت گفتیم و طریق عزلت گرفتیم [و] والسلامة فی الوحدة. (ص ۸۲) در نسخه فروغی (ص ۷۳) پیش از عبارت عربی، یک «واو» نیز آمده است که به نظر درست نمی‌نماید. در هر حال، بایسته است در صورت حذف، اشاره‌ای به آن بشود.

● از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد. (ص ۸۳)

نسخه فروغی: دوگانی (ص ۷۴)

با فرض اینکه به رسم الخط جدید هم بازنویسی شود، باید به صورت «دوگانی‌ای» نوشته شود.

● چون از نماز پرداختند یکی از اصحاب گفت مرا مشکلی هست. (ص ۸۶)

نسخه فروغی: ز (ص ۷۵)

● دور آخر در او اثر کرد و نعره‌ای چنان زد که دیگران به موافقت او در خروش آمدند. (ص ۸۸)

نسخه فروغی: - چنان (ص ۷۶)

نه به استر بر سوارم نه چو اشتر زیر بارم نه خداوند رعیت نه غلام شهریارم

(ص ۹۴)

نسخه فروغی: چه (ص ۷۸)

به کار بردن «چه» در جایگاه «چو» در نسخ خطی نمونه‌های فراوان دارد که برخی

مصححان آن را حفظ کرده، تغییر نمی دهند. رعایت امانت ایجاب می کند که ضبط نسخه فروغی حفظ شود. نمونه هایی از دیگر متون:

- ای ذاللتون! اگر صافی گردی ددگان از تو نگریزند چه به دیدن تو آیند. (بستان العارفين:

۳۹۴)

چه آن گبران ز فرعون آن شنیدند چه آتش جمله از جا درومیدند
(شاهین شیرازی: منتخب اشعار فارسی)

● ما به سختی نمودیم و تو بر بختی بمردی. (ص ۹۴)

نسخه فروغی: بنمودیم (ص ۷۹)

● چندان که مرا در حق خدایرستان ارادت است و اقرار، مر این شوخ دیده را عداوت است و انکار. [و] حق به جانب اوست. (ص ۱۱۶)

نقطه پس از «انکار» زاید است، همچنین حرف «و» در متن از قلم افتاده است. (فروغی: ۹۱)

دریای فراوان نشود تیره به سنگ عارف که برنجد تنگ آب است هنوز

(ص ۱۲۳)

نسخه فروغی: تنگ آب (ص ۹۴)

تنگ آب (= آب کم عمق) در برابر «دریا» که آب عمیق است.

نماند حاتم طایی ولیک تا به ابد بماند نام بلندش به نیکویی مشهور

(ص ۱۳۲)

نسخه فروغی: نیکوی (ص ۹۸)

● هَذَا الْمِقْدَارُ يَحْمَلُكَ وَ مَازَادَ عَلَي ذَلِك فَانْتَ حَامِلُهُ. (ص ۱۳۹)

صورت درست: هَذَا الْمِقْدَارُ، فَأَنْتَ

در نسخه فروغی نیز (ص ۱۰۱) به صورت «هَذَا الْمِقْدَارُ» ضبط شده است که خطاست.

● یکی از علما خورنده بسیار داشت و کفاف اندک. (ص ۱۴۴)

از آنجا که این کلمه را بدون اضافه کردن به لفظ پس از آن هم می توان خواند، بدون اینکه در معنی خللی ایجاد شود، دور از احتیاط است که با همزه کوچک، فقط حالت اضافه را

برای آن متصور شد. در نسخه فروغی (ص ۱۰۳) نیز بدون همزه کوچک ضبط شده است.
 بِسِ الْمَطَاعِمِ حِينَ الدَّلِي يَكْسِبُهَا القدر مُتَتَعَبٌ و القدرُ مَخْفُوضٌ
 (ص ۱۴۴)

نسخه فروغی: تَكْسِبُهَا (ص ۱۰۳)

● در بیابانی راه گم کرده بودم و از زاد معنی چیزی با من نمانده [بود]. (ص ۱۵۰)
 فعل «بود» در متن از قلم افتاده است. (فروغی: ۱۰۶)

يا لبت قَبْلَ مَنِيَّتِي يَوْمًا أَفَوْرًا بِمَنِيَّتِي نُهْرًا تَلَاظِمُ رُكْبَتِي و أَظْلًا أَمَلَاءَ قِرْبَتِي
 (ص ۱۵۱)

نسخه فروغی: تَلَاظِمُ (ص ۱۰۷)

گر همه زَرَّ جعفری دارد مرد بی توشه برنگیرد کام
 (ص ۱۵۲)

نسخه فروغی: گام (ص ۱۰۷)

● لایق قدر بزرگوار پادشاه نباشد دست همت به مال چون من گدایی آلوده کردن که
 جو [جو] به گدایی فراهم آورده‌ام. (ص ۱۵۵)
 واژه «جو» در متن از قلم افتاده است. (فروغی: ۱۰۸)

گر آب چاه نصرانی نه پاک است جهود مرده می شویی چه پاک است
 (ص ۱۵۵)

نسخه فروغی: ... (ص ۱۰۸)

در نسخه فروغی بدون هیچ توضیحی از نشانه «...» به جای واژه «جهود» استفاده شده
 است و بر نگارنده معلوم نشد که آیا در نسخ مورد استفاده فروغی نیز جای این واژه
 خالی بوده یا بنا به مصلحتی از آوردن واژه «جهود» پرهیز شده است. ضبط چاپ هرمس
 مطابق است با چاپ مرحوم یوسفی (ص ۱۱۶).

● ای سعدی تو هم سخنی بگویی از آنها که دیده‌ای و شنیده‌ای. (ص ۱۵۶)

نسخه فروغی: شنیده (ص ۱۰۹)

● هر روز به شهری و هر شب به مقامی و هر دم به تفرّجگاهی از نعیم دنیا متمتع. (ص ۱۶۴)

نسخه فروغی: روزی (ص ۱۱۳)

● سیم خوبرویی که درون صاحب‌دلان به مخالطت او میل کند. (ص ۱۶۴)

نسخه فروغی: سیم (ص ۱۱۳)

با توجه به تلفظ دوگانه این کلمه، هم بدون تشدید و هم با تشدید بر روی «ی»، دوران احتیاط است که آن را مشدد نگاشت. چنین است در این موارد:
- روزی دو بلا و محنت کشید و سختی دید. سیم خوابش گریبان گرفت و به آب انداخت. (ص ۱۶۸)

... یکی پانزده سالگی و دیگر احتلام و سیم برآمدن موی پیش. (ص ۲۵۲)

چه خوش گفت بگتاش با خیل تاش چه دشمن خراشیدی ایمن میاش

(ص ۱۶۷)

نسخه فروغی: بگتاش (ص ۱۱۶)

● پسر تیر و کمان بسوخت. گفتند چرا چنین کردی گفت تا رونق نخستین بر جای ماند.
(ص ۱۷۱)

نسخه فروغی: - چنین (ص ۱۱۹)

وَ اخو العَدُوَّةِ لَا يَمُرُّ بِصَالِحٍ إِلَّا وَ يَلْمِزُهُ بِكَذَابٍ أَشْر

(ص ۱۷۷)

نسخه فروغی: لایمیره (ص ۱۲۱)

ظاهراً آنچه در چاپ فروغی آمده است صحیح نیست. ضبط چاپ هرمس مطابق است با چاپ یوسفی (ص ۱۲۸). شایسته بود به این تغییر اشاره‌ای می‌شد.

● آنچه با تو گوید با مثال ما گفتن روا ندارد. (ص ۱۸۴)

نسخه فروغی: با مثال (ص ۱۲۴)

در اینجا به نظر می‌رسد «به امثال» درست‌تر باشد. اگر در ضبط حاضر، فاصله میان

«با» و «امثال» حذف می‌شود، تفاوتی با ضبط مرحوم فروغی نداشت و قاعدتاً خواننده صاحب ذوق، خود آن را «به امثال» می‌خواند، اما با این فاصله‌گذاری، خواننده ابتدائاً در خواندن دچار زحمت می‌شود.

● گفتی نعیب غراب البین در پرده الحان اوست یا آیت إنّ انکر الاصوات در شأن او.

(ص ۱۸۸)

نسخه فروغی: شان (ص ۱۲۶)

بازی‌های سعدی با کلام و رعایت آرایه‌های ادبی اقتضا می‌کند در برابر قرینه‌ای مانند «الحان»، واژه‌ای با تلفظ «شان» بیاید، نه «شأن». از این دست تغییر دادن‌ها را پیش‌تر در باب واژه «رای» توضیح دادیم.

● چون عاشق و معشوقی در میان آمد، مالک و مملوکی برخاست. (ص ۱۹۴)

نسخه فروغی: مملوک (ص ۱۲۹)

بعد از تو ملاذ و ملجایی نیست هم در تو گریزم ار گریزم

(ص ۱۹۵)

نسخه فروغی: ملجائی (ص ۱۲۹)

املاي این واژه بدین صورت که در چاپ هر مس آمده، نادرست است. ضبطی که در نسخه فروغی آمده است صحیح بوده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز صورت متأخر را برگزیده است.

● دانم که تو را در مودت این منظور علتی و بنای محبت بر ذلتی نیست. (ص ۲۰۲)

صورت درست: زلت (فروغی: ۱۳۳)

شب‌پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد

نسخه فروغی: شپره (ص ۱۳۴)

● آن حلق داوودی متغیر شده و جمال یوسفی به زیان آمده. (ص ۲۰۳)

صورت درست: زیان (فروغی: ۱۳۴)

● غراب... لاحول‌کنان از گردش گیتی همی‌نالید و دست‌های تغابن بر یک‌دگر همی‌مالید.

(ص ۲۰۷)

نسخه فروغی: یکدیگر (ص ۱۳۶)

جمعی چو گل و لاله به هم پیوسته
تو هیزم خشک در میانی رسته

(ص ۲۰۸)

نسخه فروغی: خشک (ص ۱۳۷)

استاد نجفی در باب این‌گونه کلمات در کتاب غلط نویسیم (ص ۲۷) آورده‌اند:

بنا بر قاعده آوایی زبان فارسی، در واژه‌های بسیط، پس از «ش» ساکن، نمایز میان «ک» و «گ»، به اصطلاح زبان‌شناسی، خشی می‌شود. در این موضع فقط صدای «گ» شنیده می‌شود، اما در فارسی فصیح آن را «ک» تلفظ می‌کنند. بنابراین واژه‌هایی مانند پزشک، پشک، تیشک، [...] و جز اینها همه با «ک» نوشته می‌شود و نه با «گ».

گرچه بر اساس این قاعده ضبط هر مس صحیح‌تر است، شایسته بود به این تغییر اشاره‌ای می‌شد، یا اینکه حفظ امانت شده، عین نسخه مرحوم فروغی ضبط می‌شد. چنین است در این جمله:

- صیاد بی‌روزی ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل در خشک نمیرد. (ص ۲۹۰)

● با این همه از [هر] دو طرف دل بستگی بود. (ص ۲۰۹)

لفظ «هر» در متن از قلم افتاده است. (فروغی: ۱۳۷)

● گروهی آشنایان به پرسیدن آمدندش. (ص ۲۱۰)

نسخه فروغی: آمدنش (ص ۱۳۸) *تال جامع علوم انسانی*

البته در پانویس نسخه فروغی، فعل «آمدندش» همراه با علامت (?) ضبط شده که

صحیح است.

ظما بقلبی لا یکاد یسیغه
رَشْفُ الزَّلَالِ وَ لَوْ سَرِيتَ بحورا

(ص ۲۱۱)

نسخه فروغی: ظمًا (ص ۱۳۹)

مستِ می بیدار گردد نیمه‌شب
مستِ ساقی روز محشر بامداد

(ص ۲۱۱)

نسخه فروغی: نیم شب (ص ۱۳۹)

● در پایان حکایت صفحه ۱۵۲ پس از جمله «... بقیت زندگانی فرش هوس درنوردم و گرد مجالست نگردم» این دو بیت ضبط شده است:

سود دریا نیک بودی گر نبودی بیم موج

صحبت گل خوش بدی گر نیستی تشویش خار

دوش چون طاووس می نازیدم اندر باغ وصل

دیگر امروز از فراق یار می پیچم چو مار

در نسخه فروغی، این دو بیت در پایان باب ششم (در ضعف و پیری) و در انتهای آخرین حکایت (ص ۱۵۲) ضبط شده و حکایت حاضر با جمله «گرد مجالست نگردم» تمام شده است.

● فذلک الذی لمتنتی فیه. (ص ۲۱۶)

صورت درست: الذی لمتنتی (فروغی: ۱۴۲)

● در احیای عرب بگردیدند و به دست آوردند. (ص ۲۱۶)

نسخه فروغی: آحیاء (ص ۱۴۲)

شایسته بود در صورت تغییر دادن «همزه» به «یا»، دست کم این واژه را اعراب گذاری می کردند تا احتمال اشتباه با هم نگاشت دیگر، یعنی «احیا» به وجود نیاید. از این دست تغییر دادن رسم الخط، کم و بیش در چاپ هر مس دیده می شود، از آن جمله است تغییر «طینچه» به «تینچه» (ص ۲۴۴)، «نفظ اندازی» به «نفت اندازی» (ص ۲۵۴)، «سنگ خورده» به «سنگ خرده» (ص ۲۸۷) و جز این ها.

لو سمعت ورق الحمی ساخت معی

مسا تر من ذکر الحمی بمسمعی

(ص ۲۱۶)

صورت درست: مر من مرمین (فروغی: ۱۴۲)

فالست تسدری ما یقلب الموجه

یا معشر الخلان قولوا لیلما

(ص ۲۱۷)

- نسخه فروغی: فی لست (= لِلْمَعَانِي لَسْتُ) (ص ۱۴۲)
- گفت الحمد لله که در توبه همچنان باز است. (ص ۲۲۱)
- صورت درست: الحمد لله (فروغی: ۱۴۵)
- لا يغلُق عَلَى العباد حَتَّى تَطْلُع الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا. (ص ۲۲۱)
- «الف مقصوره» را در این واژه بر بالای «ت» آوردن غریب می نماید. صورت درست تر چنین است: حَتَّى
- پیرمردی حکایت کند که دختری خواسته بود و حجره به گل آراسته و به خلوت با او نشسته. (ص ۲۲۹)
- نسخه فروغی: خلوقت (ص ۱۴۸)
- «خُلُوقَت» به معنی نرمی و مهربانی است و مفید معنی و تغییر دادن آن وجهی ندارد.
- (در نسخه مرحوم یوسفی (ص ۱۵۰) نیز «خلوت» ضبط شده است.)
- از جمله می گفت بخت بلندت یار بود. (ص ۲۲۹)
- نسخه فروغی: می گفتم (ص ۱۴۸)
- به صحبت پیری افتادی پخته پرورده جهان دیده آرمیده گرم و سرد چشیده، نیک و بد آزموده که حق صحبت بدانند. (ص ۲۲۹)
- به نظر می رسد در این جمله، خواندن صفت ها در حالت اضافه بهتر باشد، اما در غیر این صورت هم صحیح است که ظاهراً در این چاپ وجه دوم مرجح دانسته شده است. حال که چنین خوانشی برگزیده شده، آوردن نشانه «ویرگول» پس از هر صفت - همان گونه که در مورد آخرین صفت به کار رفته است - ضروری به نظر می رسد تا خواننده را در خواندن جمله یاری رسانند.
- حکایت آخر باب ششم (در ضعف و پیری) در کتاب با این بیت خاتمه یافته است:
- پس از خلافت و سُنعت گناه دختر نیست تو را که دست بلرزد گهر چه دانی سفت
- (ص ۲۳۷)
- در حالی که در نسخه فروغی (ص ۱۵۲) دو بیت اضافه بر ابیات چاپ هرمس، پس از این

بیت، آمده است، از این قرار:

سود دریا نیک بودی گر نبودی بیم موج

صحبت گل خوش بدی گر نیستی تشویش خار

دوش چون طاوس می‌نازیدم اندر باغ وصل

دیگر امروز از فراق یار می‌پیچم چو مار

این دو بیت در چاپ هرمس در صفحه ۲۱۵ و در باب «در عشق و جوانی» آمده است.

● ملک دانشمند را مؤاخذت کرد و معایت فرمود که وعده خلاف کردی و وفا به جا

نیاوردی. (ص ۲۴۷)

نسخه فروغی: وعده (ص ۱۵۷)

فراموش نکرد ایزد در آن حال که بودی نطفه مدفون [و] مدهوش

(ص ۲۴۸)

حرف «و» در متن از قلم افتاده است. (فروغی: ۱۵۷)

ای خواجه ارسلان و آغوش فرمانده خود مکن فراموش

(ص ۲۵۷)

«ها»ی ملفوظ، در هنگام اضافه شدن به لفظ دیگر، کسره می‌گیرد و به صورتِ /he/ تلفظ

می‌شود. همزه کوچک که هنگام اضافه به کلمات می‌چسبد، مخصوص واژه‌های مختوم

به «ها»ی غیر ملفوظ است، نظیر «خانه، شانه، آماده» و جز اینها.

● چاره جز آن ندیدم که رخت و سلاح و جامه‌ها رها کردیم و جان به سلامت بیاوردیم.

(ص ۲۵۸)

نسخه فروغی: ندیدیم (ص ۱۶۲)

● اعدا عدوگ نفسک الی بین جنیک. (ص ۲۶۱)

نسخه فروغی: اعدی عدوگ (ص ۱۶۳)

● مال به مشقت فراهم آوردند و به خست نگه دارند. (ص ۲۶۴)

نسخه فروغی: مالی (ص ۱۶۶)

- من همانا که تقریر این سخن نکردم و برهان و بیان نیاوردم. (ص ۲۶۵)
نسخه فروغی: - و (ص ۱۶۷)
- هرگز دیده‌ای دست دعایی بر کتف بسته یا بینوایی به زندان نشسته؟ (ص ۲۶۵)
نسخه فروغی: - دست (ص ۱۶۷)
- ضبط چاپ هرمس مطابق است با ضبط گلستان به تصحیح مرحوم یوسفی (ص ۱۶۵)
که ظاهراً صحیح‌تر می‌نماید، اما در چاپ هرمس به این تغییر اشاره‌ای نشده است.
● وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. (ص ۲۶۷)
نسخه فروغی: يتوكل (ص ۱۶۹)
- قاضی چو سخن بدین غایت رسانید وز حد قیاس ما اسب مبالغه در گذرانید... (ص ۲۶۸)
صورت درست: قیاس (فروغی: ۱۶۹)
- جُدْ وَلَا تَمُنْ فَإِنَّ الْفَائِدَةَ الْيَكَّ عَائِدَةً. (ص ۲۷۱)
نسخه فروغی: عَائِدَةٌ (ص ۱۷۱)
- یکی آنکه اندوخت و نخورد و دیگری آنکه آموخت و نکرد. (ص ۲۷۲)
نسخه فروغی: دیگر (ص ۱۷۲)
- هر که پرهیز [و] علم و زهد فروخت
خرمنی گرد کرد و پاک بسوخت
(ص ۲۷۲)
- حرف «و» در متن از قلم افتاده است. (فروغی: ۱۷۲)
به طیره گفت مسلمان گر این قبالة من
درست نیست خدایا یهود می‌رانم
(ص ۲۷۹)
- صورت درست: میرانم (فروغی: ۱۷۷)
مصدر فعل مذکور «میراندن» است و جدا کردن «می» از «رانم» خطاست. بدین
شکل که در متن حاضر ضبط شده، گویی از مصدر «راندن» است.
● نادان را به از خامشی نیست. (ص ۲۸۱)

نسخه فروغی: خاموشی (ص ۱۷۸)

خری را ابلهی تعلیم می‌داد
بر او بر صرف کرده سعی دائم

(ص ۲۸۱)

ضبط چاپ هرمس از آنجا که با قافیه‌های پسین این قطعه، یعنی «لایم» (= سرزنشگر) و «بهایم» مناسبت ندارد، ناموجه است.

چون درآید مه از تویی به سخن
گرچه بدانی اعتراض ممکن

(ص ۲۸۲)

صورت درست: به دانی (فروغی، ۱۷۹)

● کشتن بندیان تأمل اولی تر است، به حکم آنکه اختیار باقی ست. (ص ۲۸۵)

صورت درست: تأمل (فروغی: ۱۸۱)

چنین است در سطر بعد: «وگر بی تأمل کشته شود، محتمل است که مصلحتی فوت

شود.»

● هر که ترک شهوات از بهر خلق داده است، از شهوتی حلال در شهوتی حرام افتاده است. (ص ۲۸۷)

نسخه فروغی: شهوت (ص ۱۸۲)

● یوسف صدیق علیه السلام در خشکسال مصر سیر نخوردی، تا گرسنگان فراموش نکند. (ص ۲۸۹)

نسخه فروغی: فرامش (ص ۱۸۴)

جهد رزق ار کنی و گر نکنی
برساند خدای عزّ و جلّ

(ص ۲۹۰)

آوردن تشدید در محلّ قافیه وجهی ندارد و اصولاً در اینجا نمی‌توان آن را مشدّد تلفظ کرد. (فروغی: ۱۸۵)

● خلعت سلطان اگرچه عزیز است، جامه خلّقان خود به عزّت تر. (ص ۲۹۲)

صورت درست: خلّقان (= کهنه، فرسوده) (فروغی: ۱۸۶)

- نعوذ بالله اگر خلق غیب‌دان بودی کسی به حال خود از دست کس نیاسودی
(ص ۲۹۸)
- وزن شعر اینگونه اقتضا می‌کند که «نعوذ بالله» خوانده شود. بدین صورت که در متن حاضر آمده است، باعث غلط‌خوانی و اختلال در وزن می‌شود.
- چندین درخت نامور که خدای عزّ و جلّ آفریده است و برومند هیچ یک را از آزاد نخوانده‌اند مگر سرورا. (ص ۳۰۱)
- نسخه فروغی: - از (ص ۱۹۲)
- چنان‌که رسم مؤلفان است، از شعر متقدمان به طریق استعارات تلفیقی نرفت. (ص ۳۰۱)

صورت درست: مؤلفان (فروغی: ۱۹۳)

یا ناظراً فیہ سل بالله مَرَحْمَة علی المصنف و استغفر لصاحبه

(ص ۳۰۲)

نسخه فروغی: المصنف (ص ۱۹۳)



در پایان سخن، ذکر این نکته ضروری است که انتشارات هرمس به‌جز کتابیات سعدی، مجموعه‌های دیگری را نیز با همین سبک و سیاق تجدید چاپ کرده است، از جمله: خمسه نظامی، شاهنامه (در دو مجلد) و مثنوی معنوی، که از یک سو باعث خوشحالی است که چنین کتاب‌های ارزشمندی با این روش تجدید چاپ شده و در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار گرفته است، و از سوی دیگر، با مشاهده کاستی‌هایی که بدان‌ها اشاره شد، دل هر خواننده مشتاقی به درد خواهد آمد. شایسته و بایسته است صاحبان خوش‌ذوق این انتشارات، با اندکی صرف وقت و دقت، این آثار را در حد نام صاحبان آثار، یعنی در حد اعلا، به سرانجام برسانند.

کتابشناسی

- اتوری، حسن (۱۳۸۱): فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۵۰): تاریخ بیهقی، به کوشش علی اکبر قیاض، مشهد، دانشگاه مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- جبلی، عبدالواسع بن عبدالجامع (۱۳۶۱): دیوان، به کوشش ذبیح الله صفا، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم.
- جلال الدین محمد بلخی (۱۳۳۰): فیه ماقبه، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، تهران، دانشگاه تهران.
- سعدی، مصلح الدین (۱۳۶۶): کلیات، به کوشش محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم.
- فزوحی سیستانی، ابوالحسن علی بن علی جولوغ (۱۳۷۱): دیوان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کتاب فروشی زوّار، چاپ چهارم.
- محمد بن احمد بن ابی جعفر المحدث (۱۳۵۴): «بستان العارفين»، منتخب رونق المجالس و بستان العارفين و تحفة المریدین، به کوشش احمدعلی رجائی، دانشگاه تهران.
- مولانا شاهین شیرازی (۱۳۵۲): «موسی نامه»، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان، به کوشش آمنون نتصر، فرهنگ ایران زمین، تهران.